

بررسی تأثیر فلسفه خیام در آثار آندره سوریوگین

مهتاب مبینی، مینا عطائی^۱

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور، واحد تهران شرق، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۲. کارشناس ارشد پژوهش هنر، دانشگاه پیام نور، واحد تهران شرق، تهران، ایران

چکیده

این پژوهش به بررسی تأثیر فلسفه خیام در آثار آندره سوریوگین انجام پرداخته است، در این راستا مواردی همچون بررسی الهامات اثرگذار اشعار خیام بر آثار آندره سوریوگین، معرفی آندره سوریوگین و سبک و شیوه نقاشی وی و همچنین مینیاتورهای برجای مانده از او، تبیین ادبیات آثار آندره و نیز شخصیت‌شناسی این هنرمند غربی علاقه‌مند به هنر ایرانی به‌عنوان هدف مورد توجه قرار گرفته است. لذا آثار برجای مانده از وی بر حسب اهمیت و به‌صورت موردی با روش توصیفی-تحلیلی، مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. نتایج حاکی از آن بوده است که آثار آندره سوریوگین در بیشتر موارد از تفکر و فلسفه خیام نشئت گرفته است و عموماً اشعار خیام در بخشی از ترکیب‌بندی اثر حضور داشته است. آثار این هنرمند مضامین اشعار خیام را در حیطه پدیده مرگ، دلدادگی و بزم، دریافت درونی نسبت به هستی و زودگذر بودن روزگار و... بازتاب می‌بخشیده است. او همچنین بدین منظور از نمادهای تصویری برای ارائه مفاهیم در آثارش استفاده می‌نموده است. از جهتی گرایش وی به فلسفه خیام و اشعار او منجر شد تا آثاری تحت تأثیر این مضامین خلق نماید. همچنین می‌توان عنوان داشت که آثار آندره به جهت دارا بودن برخی ویژگی‌های خاص نظیر روایتگری و بزرگنمایی، توجه به مرکزیت و در برخی مواقع پرسپکتیو مقامی، شباهت قابل توجهی با نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای داشته است. همچنین وجود تنوع رنگی که با بهره‌مندی از رنگ‌های قرمز و آبی و نیز برخی رنگ‌های تیره نمود یافته است، ایجاد تزیینات در زمینه و نیز پوشش افراد، بخش‌بندی و نیز ایجاد تعادل و توازن در ترکیب‌بندی، مشابهت آثار آندره را با نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای به‌طرز قابل توجهی نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: فلسفه خیام، نقاشی قهوه‌خانه‌ای، آندره سوریوگین.

¹ mina.atal367@gmail.com

پیشینه پژوهش

جست‌وجو در سامانه‌های پژوهشی نشانگر آن است که پژوهشی جامع درخصوص این هنرمند و آثار وی صورت نگرفته است؛ اما می‌توان نزدیک‌ترین پژوهش‌های انجام‌یافته در باب این موضوع را در موارد زیر معرفی نمود:

هدایت، صادق. (۱۴۰۰)، در مجموعه *ترانه‌های خیام* که در قالب کتاب به چاپ درآمده است، نتیجه تحقیق‌های نویسنده معاصر (صادق هدایت) پیرامون حکیم عمر خیام منتشر ساخته است. این پژوهش در قالب یک مقدمه، دو جستار و صدوچهل‌وسه رباعی است و خود صادق هدایت "از انتساب آن‌ها به حکیم خیام، اطمینان حاصل نموده است. لذا نگرش خیام را در اشعارش بازتاب می‌بخشد و به نوعی فلسفه و تفکر آن را بیان می‌دارد. این رباعیات نشان می‌دهد تأثیری که عمر خیام، بر تمدن ایران داشته است، علاوه بر یافته‌های ریاضی پیشگامانه او به رباعیات نیز ارتباط می‌یابد و نه تنها در زادگاه وی، یعنی ایران؛ بلکه در سراسر جهان دارای اعتبار و احترام است. انسان در نظر او دنیایی کوچک است و در عین حال نمونه و نماینده جهان بزرگ است. در واقع مؤلف با ارائه منتخبی از ترانه‌های خیام، تلاش داشته است تا کیفیات و روحیه شعری رباعیات اصیل فارسی را محفوظ بدارد و تا حد امکان معرفی دقیقی را از وی در این کتاب ارائه نماید. می‌توان گفت فلسفه خیام به لطف رباعیات خیره‌کننده او بدون از دست دادن ارزش خود تا حد شگفت‌انگیزی تا به امروز حفظ گردیده است. این کتاب معرفی داشته است که این رباعیات مفسر مسائل حل‌ناپذیر فلسفی بوده است که تقریباً در هر عصری انسان را ویران می‌کند و روح را شکنجه می‌نماید و فریاد درد و رنج و اندوه و ترس محسوب می‌شود که منجر می‌گردد افراد هرچه بیشتر بدان فکر نمایند، به همان میزان متحمل رنج شوند.

کیارس، داریوش. (۱۳۸۸)، در مطالعه‌ای با عنوان نقاشی: نیم رخ آندره (درویش) سوروگین برای ژانت لازاریان»، به معرفی آندره سوروگین و زندگینامه وی، به معرفی آثار او و تأثیرپذیری‌هایش در نقاشی پرداخت. همچنین به دوستی او با صادق هدایت و نحوه برگزاری نمایشگاه آثارش اشاره داشته است. همچنین عنوان داشته است که به روایت ژانت لازاریان درویش حدود ۲۰۰ نقاشی از داستان‌های *شاهنامه* فردوسی و مضمون رباعیات خیام را که در مدت ۲۰ سال به تصویر درآورده بود، با خود به هندوستان برده و به فروش رسانده است. این پژوهش در نهایت عنوان می‌دارد که اگر آثار درویش از اکتاف جهان گرد می‌آمد و یا اینکه در ایران مورد خریداری واقع می‌شد، این آثار جایگاه قابل توجهی را در نقاشی ایرانی به خود اختصاص می‌داده است. بربریان، لیدا، زیتونچیان، آرمینه. (۱۳۷۶)، در مقاله‌ای با عنوان «آندره سوروگین، درویش، یادنامه درویش، درویش به روایت استاد»، به معرفی هنرمند و شرح زندگی او پرداخته است. همچنین نویسندگان

مقدمه

آندره سوروگین که دارای اصالت روسی بود، در سال ۱۲۷۵ خورشیدی در تهران متولد شد. وی فرزند آنتوان سوروگین است. پدر وی از نخستین عکاسان ایران محسوب می‌شود. آندره سوروگین در ۲۷ آذر سال ۱۳۷۵ در اشتوتگارت از دنیا رفت. او قصد داشت تا با تلفیق جهان زمینی (در هنر نقاشی قهوه‌خانه) جهان آسمانی و غیرقابل باور مینیاتور را جلوه‌ای طبیعی‌تر بخشد. تا قبل از او هیچ نقاشی نتوانسته بود خوانش خود را از یک اثر ادبی-داستانی، تا این اندازه به دوره خود تطبیق دهد. بیشتر تابلوهای وی از دیوان شاعرانی چون خیام، حافظ و فردوسی بوده است و می‌توان گفت که اولین نمایشگاه او شهرت قابل توجهی را برایش به همراه داشته است و توجه چند تن از نویسندگان و هنرمندان آن روزگار را به سوی وی معطوف داشته است. آنچنان که در همین سال از روی تابلوهایی که درویش از اشعار خیام ساخته بود، هدایت شیفته شد تا ترانه‌های خیامش را بنویسد. می‌توان گفت از آندره سوروگین همواره به‌عنوان تصویرگر حکایت‌ها و داستان‌های شرقی یاد گردیده است و هنر وی مورد توجه منتقدان هنری قرار گرفته است. هزاران اثر ارزشمند از این هنرمند نامی، به شیوه رنگ و روغن از مناظر شهرهای ایران، آبرنگ، گواش، باتیک و غیره به جای مانده که همه آن‌ها نشانگر علاقه وی به ادبیات و مفاخر ملی و بزرگان میهن هستند. می‌توان گفت دلیل الهام گرفتن این آندره از ادبیات به‌خصوص اشعار شاعران نامی ایران به این جهت نیز می‌توانسته است باشد. وی مرام و مسلک شاعران به‌خصوص خیام را درک کرد و آن‌ها را به تصویر کشید. فلسفه‌ای که اشعار خیام را دلشین و هم راستا با زندگی انسان می‌کرد، اینکه باید دمی را غنیمت شمرد و دست افتادگان را گرفت، باعث شد آندره شیفته این اشعار شود و برای به تصویر کشیدن شان قلم به دست شود. از جمله آثار او می‌توان به ۱۸۲ تابلو از رباعیات عمر خیام و باباطاهر "۱۸۰ تابلو از غزل‌های حافظ" مینیاتورهای *شاهنامه* و داستان‌های سایات‌نووا اشاره کرد. بررسی انگیزه و علاقه آندره سوروگین به‌عنوان یک غربی به هنر ایران و چرایی علاقه آندره به اشعار شاعران ایران به‌خصوص حافظ و خیام و بررسی علل این موضوع که وی با اینکه از هنرمندان تأثیرگذار بود؛ ولی چرا به آنزوا گروید. همچنین تأثیرات دوستی صادق هدایت و آندره بر روی همدیگر چه بوده است. از این جهت پژوهش جامعی شکل می‌گیرد که از تأثیر اشعار خیام بر آثار آندره و چگونه به تصویر درآوردن فلسفه اشعار خیام در آثار او حکایت می‌نماید. با توجه به آنچه ذکر این پژوهش درصدد پاسخگویی به این سؤال است که تأثیر فلسفه اشعار خیام بر آثار سوروگین به چه نحوی است؟

فیضی، ۱۳۸۸، ۳۵). آنچه خیام را از سایر شناسندگان راز متمایز ساخته است، صمیمیت فراوان وی در قبال نادانی خویش است. خیام می‌داند که نمی‌داند و این نادانی را نه تنها از خود و سایرین پنهان نمی‌سازد؛ بلکه بدان اذعان نیز می‌نماید. وی فیلسوفی بوده که تلاش داشته تا با این کار به تمامی مدعیان دانایی بیاموزد و یادآور نماید که دانستن ندانستن، عیب محسوب نمی‌شود؛ بلکه به دروغ خود را واقف اسرار شناساندن، عیب به شمار می‌آید. همین اقرار به نادانی است که حیرتی هم‌سنگ با حیرانی عارفان را برای روان او به‌وجود می‌آورد. در واقع خیام از کسانی است که هر گروه و فرقه‌ای نظیر شاعران، فیلسوفان، عاشقان، اصحاب شریعت و... او را از آن خود می‌دانند؛ اما می‌توان گفت وی آزاده‌تر از آن است که در این مجموعه‌های انسانی جایگزین گردد. وی فراتر از عقل و عشق، مستی و راستی، کفر و ایمان و در یک جمله، آمیزه‌ای از اندیشه و ضد اندیشه محسوب می‌شود. چنان‌که می‌توان او را سطح آفرینش انسانی به شمار آورد. مستی سرشته در ذات وی، وی را از اندیشه هفتادودو ملت و اندوه بیش‌وکم بازگرفته و نشئه علت یگانه، خمار علت‌های بی‌شمار را از وجود او به دور داشته است. خیام در واقع نمودار یگانگی ظاهر و باطن، حقیقت و مجاز، ایمان و کفر و همه دوگانی‌های ازلی و ابدی روان انسان است و چنین شخصیتی که در وجود او همه تضادها به وحدت رسیده است بیش از تمام عارفان رسمی، عرفان را نمایندگی تواند کرد. در واقع معرفت خیام، سوای معرفت غیر است. او می‌داند که نمی‌داند؛ ندانستن او، عین دانایی است (سرامی، رضایی، ۱۳۹۳، ۲۵).

او تلاش داشته است تا با اقرار به نادانی خویش، سماع سرگردان روان شیفته را بر گرد دوست بر زبان آورد و به نوعی آن را بیان نماید. این چرخ و آشوب و زلزله که از ذره تا کیهان را در خود فروگرفته است، خیام و سایرین را با حیرتی مطبوع و خیره‌کننده مواجه نموده است و خیام نیز گوشه‌ای از این طوفان به شمار می‌آید. خیام دریافته است که عاقبت کار جهان نیستی خواهد بود، هستی را معنی‌دار و درخور اعتنا یافته است. به همین جهت، همه دانش آدمیان در قبال زندگی پس از مرگ را افسانه‌گویی به شمار آورده است (سرامی، رضایی، ۱۳۹۳، ۳۹).

آنچه که امروزه به‌عنوان شخصی به نام خیام در اذهان جمعی جامعه جای گرفته است و چیزی که تحت عنوان اندیشه وی در ذهن‌ها پدید آمده است، می‌توان بیان داشت که بی‌شباهت با اسطوره نیست؛ چراکه صاحب‌نظرها و نیز محققان بسیاری طی ادوار مختلف و علی‌الخصوص در سده اخیر تلاش داشته‌اند تا از چهره واقعی او را که در پس ابهام باقی مانده است، کنکاش نمایند و او را آنگونه و به راستی بوده است، به همگان بازشناسانند. هرچند که همواره مردم تمایل دارند تا خیام را در مقام شخصیتی خاص و اساطیری و نیز مرموزی که خود

مقاله به مصاحبه‌هایی که با اندره سوروگیان در زمان حیات وی انجام داده بودند، پرداخته‌اند. این مقاله در زمان حیات او نوشته شده و در سالگرد وفات وی منتشر شده است. این پژوهش تصاویری از آثار آندره سوروگیان که تحت تأثیر شاهنامه و ترانه‌های خیام به تصویر درآمده بود را منتشر ساخته است. همچنین در بخشی نی زبه مضامین کلی آثار این هنرمند پرداخته است و ذکر داشته‌اند که مضامین ارمنی نیز جایگاه ویژه‌ای را در این آثار به خود اختصاص می‌دهد. در بخشی نیز با یادواره و معرفی وی به روایت اسناد می‌پردازد.

مهبود، فاضلی. (۱۳۸۷)، در مقاله‌ای با عنوان نظام فکری خیام، نشان می‌دهد عمر خیام در شعر و ادب فارسی مظهر و نمایندۀ جهان‌بینی ویژه و صدای بسیاری از متفکران و شاعران خاموشی است که دم فرو بستند و سخن خویش را به نام او منتشر ساخته‌اند. لذا بررسی نظام مکتب تفکر خیامی، اصول و ویژگی‌های این مکتب با استفاده از روش تحقیقی که ترکیبی از شیوه‌های نقد مبتنی بر مواد مکتوب و رویدادهای تاریخی و روشی پدیدارشناختی مورد هدف قرار گرفته است و تلاش بر آن بوده است که به جای تکیه کردن بر مسائل پایان‌نیافته‌ای مانند اصالت شعر خیام و هویت خود او، نظر متعادل‌تری از پیام وی را ارائه کند و با بیان پیشینه تحقیقات خیام‌پژوهی، تحقق این مقصود را عملی‌تر سازد. در نهایت نیز برای تعیین چهارچوب و اصول مکتب فکری خیام، با توجه به مضمون و پیام‌های مشترک میان رباعیات، نظام فکری خیامی را به پنج مقولۀ اصلی تقسیم نموده است و اصل پیام خیام را در هر مورد با ذکر شواهدی از رباعیات تحلیل نموده است. در نهایت می‌توان عنوان داشت با توجه به اینکه پژوهش حاضر تلاش دارد تا تأثیر فلسفۀ خیامی بر آثار آندره سوروگیان را مورد توجه قرار دهد، لازم به مطالعه و بررسی چند عنوان به‌وجود می‌آید؛ از جمله مطالعه پیرامون زندگینامۀ آندره سوروگیان در باب مینیاتور و در آخر فلسفۀ خیام و تأثیراتی که بر آثار این هنرمند نهاده و من‌باب این عنوان مطرح شده، هیچ منبع جامعی وجود ندارد و هیچ‌گونه نقدی یا بررسی بر روی تابلوهای آندره که تأثیر گرفته از اشعار خیام است، وجود ندارد.

مبانی نظری پژوهش

۱. تفکر و فلسفۀ خیام در اشعار

خیام فردی متفکر بود و همواره درخصوص اسرار هستی و مسائل مربوط به آن می‌اندیشید. به‌طوری‌که او در کنار آثار نجوم، ریاضیات و... آثاری از فلسفه نیز از خود بر جای نهاده است. آثار فلسفی این فیلسوف هرچند که از حجم کمی برخوردار است؛ اما به جهت محتوا و معنی بسیار ارزشمند و پر محتوا و نیز عمیق است. از آثار فلسفی خیام می‌توان رسالۀ فی الکون و التکلیف، ضروره التضاد فی العالم و الجبر و التباء، رسالۀ الضیاء فی الموضوع العلم الکل، رسالۀ فی علم کلیات الوجود، رسالۀ فی الوجود، رسالۀ جواب عن ثلاث مسائل اشاره نمود (ابراهیمی دینانی،

می‌پندارند، تصور نمایند. این مسئله نشانی از دیگرگونه بودن خیام است (حسام پور، حسن‌لی، ۱۳۸۳، ۲۰-۱۹).

در واقع عقیده‌ای که خیام نسبت به تحول مستمر طبیعت دارد، بیان وی را به طرز خاصی آشکار می‌سازد. او این مسئله را با جملاتی نظیر اینکه کوزه‌ها از خاک دیگران ساخته شده‌اند و نیز سبزه‌ای که رویش می‌کند و سبزه‌ای که رشد و نمود می‌نماید و... از جمله مواردی محسوب می‌شوند که تحول مستمر را نشان می‌دهند که در ذهن وی نقش بسته است و به شکل تأثیرگذاری منجر به بیداری ذهن او می‌شود (دشتی، ۱۳۸۱، ۱۶۸). در واقع شخصیت خیام، شخصیت حکیمی متفکر و متذکر است که مدار فکری او براساس اینکه برای ناپایداری روزگار می‌بایست احساس تأسف نمود، همچنین بی‌اعتباری دنیا و اینکه ما در دوران زندگی از بی‌خبران هستیم و هرچه تلاش می‌کنیم به آنچه که می‌خواهیم دست نمی‌یابیم و حتی نمی‌دانیم از کجا آمده‌ایم و یا اینکه به کجا خواهیم رفت، تأکید داشته است (فروغی، غنی، ۱۳۷۱، ۱۴).

اگر بخواهیم صورت ذهنی خیام را بر طبق نوشته‌ها، روایات و اسنادی که باقی مانده است، بیان نماییم، می‌توان عنوان داشت که او اندیشمندی بوده است که بر تمامی علوم زمانه‌اش نظیر طب، نجوم، ادبیات عرب و فارسی، حدیث و تفسیر مسلط بوده است. او با جدیت امورات علمی را به پایان می‌رسانیده است و همچنین آثارش نشان می‌دهد که وی انسانی کم حرف بوده و بیانان فلسفی خود را تحت تأثیر ابن سینا بیان داشته است. خیام همواره جانب اعتدال و قناعت را مورد توجه قرار داده است. او به‌طور قاطع انسانی درونگرا و با توجه به روحیاتش دایرهٔ معاشرتش با اطرافیان محدود بوده است. به‌طوری که با دانشمندان، بزرگان و دوستداران کمال و معرفت معاشرت‌هایی محدود داشته است. خیام ز فکری نافذ و دانشی گسترده برخوردار بوده است. بنابراین از دایرهٔ معتقدات عمومی خارج شده و به کاوش و کنکاش می‌پردازد. تبیین زیبایی منجر می‌شود تا او به‌عنوان اهل معرفت و رجال خوش ذوق شناخته شود. شاید او برخی اشعارش را در بزمی خصوصی که ترنم ذوقش همراه با نکته‌های فلسفی و یا طنزی نکته‌دار و با ظرافت فکر خوانده شده و سپس از آن نسخه‌برداری شده باشد (دشتی، ۱۳۸۱، ۱۱۱).

گفته شده است که خیام جهانی را تصور می‌نماید و مشاهده می‌کند و حتی به تصویر می‌کشد که حوزهٔ مذهب و اسطوره خارج است. وی نه همچون حافظ کشف جغرافیای هستی را از عوالم شهود به دست آورده است و نه همانند جلال‌الدین رومی جان را به سوی هفت پردهٔ افلاک، در پی صور کشف نموده است. از جهتی نیز همچون فردوسی به خاطره‌سازی اساطیر نپرداخته است. دنیای خیام به خارج از صورت‌ها و نیز الگوهای ازلی است. حتی دنیای او بیرون از حیطة دین‌ها و نیز رستاخیز معاد است (شایگان، ۱۳۹۳، ۴۹).

خیام در اندیشهٔ خود از زهر واقعیتی که به تصور او سرتاسر پوچی است، صحبت می‌نماید و سپس از پادزهری که یاد می‌نماید که خوش‌زیستی نام دارد (دوستار، ۱۳۷۰، ۳۵). می‌توان گفت به جهت دیدگاه فلسفی خاصی که خیام داشته است، هیچ‌گاه کسی از آن پیروی ننموده است (هدایت، ۱۴۰۰، ۵۰). بیانی کوتاه، صریح و گویا که زیباترین الفاظ را به همراه داشته است، فلسفهٔ خیام را بازگو می‌نماید. به‌طوری که کمترین دخل و تصرفی در آن می‌تواند مفاهیم ارزشمندش را با خلل مواجه نماید. او این فلسفه را با شفافیت تمام در ابیات خود نشان داده است (دوستار، ۱۳۷۰، ۳۶). افکار علمی و نیز فلسفی خیام، جدا از اشعارش در کتب و دست‌نوشته‌های او که معمولاً با سفارش بزرگان تحریر شده‌اند، قابل مشاهده در ارتباط با طبیعت و محیط جهانی بیان می‌دارد. این باور او همراه با اشاراتی از فلسفه بیان می‌شود (هدایت، ۱۴۰۰، ۲۶). هرچند که کمیت این دست‌نوشته‌ها کم بوده است؛ اما فلسفه و تفکر خیام هرگز تازگی خویش را از دست نمی‌دهد. حتی در اشعار کوتاه خود نیز اسراری از نهن را عنوان داشته است. نوشتار او برگردانی از اضطراب‌ها، وهم‌ها، امیدها و ناامیدی‌های نسل بشریت محسوب می‌شود که وی با مهارت تمام معماها و مجهولات را آشکار و روشن می‌نماید (هدایت، ۱۴۰۰، ۲۱).

شاید بتوان اذعان داشت که حائز اهمیت‌ترین عنصری که طرز سخن خیام را از سایر افراد متمایز می‌سازد، اعتقاد وی به زودگذر بودن و اتفاقی بودن زندگی باشد که به طرز فلسفی بدان پرداخته است. وی زندگی را همچون خواب و خیال تصور می‌نماید. حتی در اشعار خود زندگی را به مانند فانوس خیال معرفی می‌دارد (دشتی، ۱۳۸۱، ۱۳۷). افکار خیام نشانگر آن است که جهان‌بینی او از وارون‌سازی کامل نظام هستی کل یافته است. او تنها متفکر- شاعر ایرانی است که نظام افلاطونی را کنکاش نموده است. در اندیشهٔ خیام، نوعی تعلیق درآوردن آنی است که از استمرار گریز دارد. استمرار مد نظر او حرکتی مکرر و ابدی محسوب می‌شود؛ اما براساس دیدگاه او که در اشعارش نیز بازتاب یافته است، انسان مستثنی از این قاعده است. به‌طوری که پس از رفتن، هرگز به دنیا بازمی‌گردد (شایگان، ۱۳۹۳، ۴۹). در مجموع جهانی که خیام می‌سازد، از صورت‌ها و الگوهای ازلی خارج است و بیرون از حیطة ادیان شمرده می‌شود. او از نقطهٔ پوچی با نگاهی سرشار از حیرت به دنیا می‌نگرد و در آرامش دریاگونهٔ خویش دنیا را نظاره می‌نماید و طرح سؤالاتی می‌گردد که پایه‌های ملکوت و انسانیت به شمار می‌آیند. خیام تلاش نمود تا در رباعیات خود به بانگ بلند خاطر نشان نماید که مدعیان خبر، در اصل بی‌خبرانند (سرامی، رضایی، ۱۳۹۳، ۲۵). ترانه‌های کوچک او از پرمغزی قابل توجهی برخوردار بوده‌اند و تمام مسائل حائز اهمیت و تاریخ را که در دوران‌های مختلف منجر به سرگردانی انسان‌ها شده بود و افکاری را جبراً بر او تحمیل و بدون حل ساخته بود، عنوان می‌نماید. تلاش او در ترانه‌هایش به این نکته توجه داشته است تا با زبان و سبک غریبی تمامی مشکلات و معماها و نیز



تصویر شماره ۱: اثر آندره سوربوگین، با مضمون دلزدگی و ناپایداری دنیا و تأثیر از اشعار خیام (هدایت، ۱۳۴۲: ۲۰).

می‌توان عنوان داشت که متن موجود در اثر که متعلق به خیام است، عامل تأثیرگذار در شکل‌گیری این تصویر بوده است. لذا تمامی عناصر تصویری موجود در اثر، تحت تأثیر مفهوم آن شکل یافته‌اند. شرح حال خیام در این متن در اوج فشار و دلزدگی از بی‌وفایی دنیا نشان داده شده است. در اینجا جای آرمیدن، منظور دنیا است و کاش این ره دور را رسیدن بودی، به منزله آن است که شاعر بیان می‌دارد که کاش قادر بودیم به اجماعی از کار این زمانه و چپستی این دنیا دست می‌یافتیم. همچنین در بیت بعد عنوان شده است که کاش می‌شد با صبر نمودن حتی طولانی مدت، کمی با مهربانی دنیا مواجه می‌شدیم. در واقع این شعر به هرج‌ومرج دنیا و پایان زندگی اشاره دارد. بنابراین می‌تواند بر نوعی پوچی زندگی دنیوی تأکید داشته باشد. آندره سوربوگین تلاش داشته است تا با تصویر نمودن مضمون این متن، مفهوم نهفته در آن را در قالب تصویر نشان دهد. می‌توان بیان داشت که با توجه به بن‌مایه، سیاق کلامی و تصویرپردازی این اثر، هنرمند تلاش وافر را جهت بازنمایی از خود نشان داده است. در اثر مذکور، یک مرد در حالی نشان داده شده است که در مکان یا مسیری سرگردان است. حالات ایستادن او تکیه زدن بر عصا، کنایه‌ای از تکیه نمودن بر دنیایی پوچ دارد. پریشانی در چهره حکایت از عدم امید به اوضاع بهتر دنیا می‌نماید. خطوط در نشان دادن حالت ایستادن و نوع چهره نقش چشمگیری را ایفا می‌نماید.

مسئله توجه به مرکزیت نیز یکی دیگر از موارد مورد توجه هنرمند بوده است. فرد تا حدودی در مرکز کادر قرار گرفته است. و آندره سوربوگین با نشان دادن درختی در سمت چپ تصویر و قرار دادن دو بیت از خیام در سمت راست، توانسته است عنصر توازن و تعادل را ایجاد نماید. بهره‌مندی از تزیینات در بستری از زمینه اثر نیز به دلیلی خالی نبودن متن آن بوده است. پوشش اثر کاملاً شرقی و اشاره بر پوشش ایرانیان در تاریخ مشخص دارد. در واقع متن اثر به نوعی سرگستگی و سرگردانی در بیابانی که انتهای آن نامشخص است را تداعی می‌نماید. می‌توان گفت آندره سوربوگین نوعی خوانش عمیق و نه صرفاً سطحی را از رباعی مزبور و که همان پوچی دنیا است، از طریق تصویرگری نشان داده است. اثر مذکور همچنین یادآور نگاره‌های ایرانی در ادوار

مجهولات را روشن و آشکار سازد (هدایت، ۱۴۰۰، ۲۴). از اشعار وی می‌توان دریافت که او از فضای خشک فلسفی به دامن لطیف شعر فرار نموده است. به طوری که اشعارش همچون اعتراف نامه‌ای دوستانه و صمیمانه، بسیار بی‌پروا زخم‌های نهان و دردهای درون او را بازگو می‌نمایند. در واقع این‌گونه می‌توان بیان داشت که رباعیاتش را به تجلی‌گاه تراژدی زندگی بشریت مبدل ساخته است (فاضلی، ۱۳۸۷، ۶۶).

۲- تأثیر فلسفه خیام بر روی آثار آندره سوربوگین

آثار و زندگینامه آندره سوربوگین در بخش‌های قبلی پژوهش به اجمال مورد معرفی قرار گرفته‌اند. لذا آنچه که این پژوهش در پی آن بوده است، تأثیر فلسفه خیام در آثار این هنرمند است. لذا به منزله تحقق اهداف مورد نظر و همچنین پاسخگویی به سؤالات مطرح شده، در این فصل که مبحث تجزیه و تحلیل داده‌ها دربرمی‌گیرد، به چگونگی تأثیر فلسفه اشعار خیام به‌عنوان یکی از حائز اهمیت‌ترین علل تأثیرگذار بر آثار این هنرمند، در کنار علل‌های حضور هنر و فرهنگ ایرانی در آثار بر جای مانده از وی و نیز تأثیر ادبیات در آثار آندره سوربوگین پرداخته می‌شود. بنابراین موضوعات مطرح شده براساس نمونه‌های مطالعاتی موجود، مورد تحلیل و ارزیابی واقع می‌شوند. لذا اثر ۱۲ از این هنرمند به تفکیک موضوعات مشخص شده در این فصل که بدان اشاره شده است، مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند.

فلسفه اشعار خیام یکی از بارزترین ویژگی‌های آثار آندره سوربوگین است. مضامین عشق و دلدادگی و مرگ از جمله شاخص‌ترین محورهای موضوعی این آثار را تشکیل می‌دهد. در این مبحث مهم‌ترین آثاری که از این هنرمند موجود است، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

اثر شماره ۱

متن شعر

ای کاش که جای آرمیدن بودی

یا این ره دور را رسیدن بودی

کاش از پی صد هزارسال از دل خاک

چون سبز و امید به رسیدن بودی

که آن همه جلال و شکوه کجا رفته است. در واقع در این شعر خیام به مانند سایر سروده‌هایش از موسیقی واژه و حرف استفاده نموده است.

نشان دادن ویرانی و خرابه‌های بنایی که روزی از شکوه قابل توجهی برخوردار بوده است و همچنین جلوه‌گر بودن تصویری محو از پادشاه در دل این بنا که تاجی بر سر دارد، همگی بر ارتباط عمیق این اثر با مفهوم شعر دارد. گویی که آندره سوریوگین به‌خوبی این مسئله را در آثارش نشان داده است. وجود اندیشه‌ای عمیق و زیبایی قابل توجهی در این دو بیت موجود است که هنرمند تلاش داشته است این زیبایی مفهومی را به شکل قابل توجهی نشان دهد. آندره سوریوگین سعی داشته است تا از طریق تصویر ویرانه‌های بنایی که روزی از جلال و شکوه قابل توجهی برخوردار بوده است، فر و شکوه و بزرگی پایمال‌شده آن را نشان دهد که تأکید بر ناپایداری اوضاع دنیا دارد. این همان اندیشه‌ای است که در آثار سوریوگین می‌توان مشاهده نمود. نشان دادن پرنده‌ها نیز تأکید بر چنین وضعیتی دارد. چراکه هنرمند تلاش داشته است تا تبدیل شدن کاخی بزرگ را به لانهٔ پرندگان نشان دهد که روزی از ایهت بی‌نظیری برخوردار بوده است. این ویژگی نیز نوعی گوشزد محسوب می‌شود. گوشزد به ناپایداری اوضاع دنیوی افراد. در واقع تفکر خیام و اندیشهٔ حاکم در اشعار وی به‌خوبی در این آثار آشکار است. نکتهٔ دیگر نوع تصویر محو پادشاه همراه با تاجی بر سر است که می‌تواند تأثیر هنر ساسانی و اشاره به شاهان ایران باستان یا عصر ساسانی را تداعی نماید. بنابراین می‌توان عنوان داشت که هنرمند تلاش داشته است تا تأثیرپذیری از ویژگی‌های هنری ایران را به‌خوبی نشان دهد. تأکید بر مفهوم و درون‌مایهٔ شعر به‌خوبی در این اثر قابل رؤیت است. نکتهٔ دیگر نوع تصویر محو پادشاه همراه با تاجی بر سر است که می‌تواند تأثیر هنر ساسانی و اشاره به شاهان ایران باستان یا عصر ساسانی را تداعی نماید. بنابراین می‌توان عنوان داشت که هنرمند تلاش داشته است تا تأثیرپذیری از ویژگی‌های هنری ایران را به‌خوبی نشان دهد. تأکید بر مفهوم و درون‌مایهٔ شعر به‌خوبی در این اثر آشکار است. نشان دادن مرکزیت، برقراری تعادل و توازن که از طریق پرنده‌ای در حال پرواز در آسمان، به‌خوبی می‌توان آن را درک نمود، از دیگر ویژگی‌های اثر مذکور است. بهره‌مندی از اشکال هندسی در ایجاد تصویر مورد نظر نیز از دیگر ویژگی‌های این اثر است. البته سادگی بیش از حد آن می‌تواند نشانگر آن باشد که هنرمند بیشتر در پی نشان دادن مفهوم شعر بوده و تلاش داشته است تا این مفهوم را در اوج سادگی نشان دهد.

خطوط و سایه روشن در این اثر نقش قابل توجهی داشته‌اند و به طرز منحصربه‌فردی نشان داده شده‌اند.

اثر شماره ۳

متن شعر

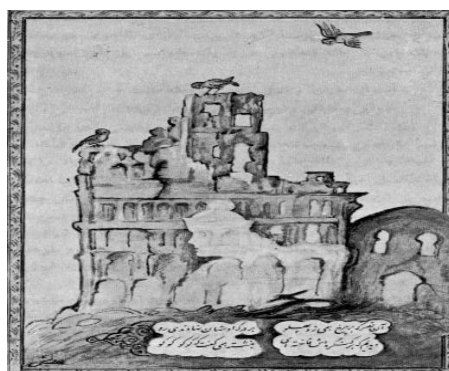
گذشته است؛ چراکه کاملاً از طراحی شرقی و ایرانی برخوردار بوده و دستار مرد درصد نشان دادن این حال‌وهوا است. در واقع بازنمایی هنر ایرانی و تأثیر از نگاره‌های گذشته، نوع چهره‌پردازی منحصربه‌فرد با به کارگیری خطوط شکسته، نرم و منحنی، بیانگر آن است که هنرمند تلاش داشته است تا مفهوم شعر را در قالب تصویر نشان دهد. نوع ایستادن فرد در این اثر، به لحاظی نیز یادآور نگاره‌های دوران صفوی است. البته نوع‌آوری آن نیز در به کارگیری خطوط ظریف و پهن در کنار یکدیگر نیز کاملاً آشکار است. می‌توان گفت که وی سبک مینیاتورهای هنرمندان عصر صفویه را (نظیر کمال‌الدین بهزاد و رضا عباسی) با به کارگیری اسلوب‌ها و فنون نقاشی نو درآمیخته است. تزئینات لباس شخص در هماهنگی با زمینهٔ اثر بوده است. لذا سوریوگین علاوه بر مفهوم شعر، به هماهنگی در اثر نیز توجه داشته است. البته تفکر صوفیانهٔ هنرمند در نوع چهره‌پردازی در این اثر، کاملاً آشکار است. می‌توان گفت در اینجا پرسشگری از طریق نشان دادن حالات دست فرد بیان شده است. از جهتی نیز برگشتن به عقب که سر فرد به آن اشاره دارد، نگرستن به زندگی است که در درک مفهوم آن ناتوان هستیم.

اثر شماره ۲

متن شعر

آن قصر که بر چرخ همی زد پهلو
بر درگه او شهان نهادندی رو

دیدیم که بر کنگره‌اش فاخته‌ای
بنشسته همی گفت که کوکو کوکو



تصویر شماره ۲: اثر آندره سوریوگین، با مضمون حسرت حاصل از گذرا بودن زندگی دنیوی و تأثیر از اشعار خیام (هدایت، ۱۳۴۲، ۳۶).

تصویر مذکور، بهرهٔ قابل توجهی از بن‌مایهٔ شعر گرفته است. به‌طوری که این دو بیت بیانگر قصری است که پادشاهان به آن رو می‌نمایند و بعد روزی فاخته (کوکو) بر آن می‌نشینند و نغمه‌ای می‌سرایند

اثر شماره ۴

متن شعر

یاران به موافقت چو دیدار کنید

باید که ز دوست یاد بسیار کنید

چون باده خوشگوار نوشید به هم

نوبت چو به ما رسد نگو قمار کنید



تصویر شماره ۴: اثر آندره سوریوگین، با مضمون یاد کردن از درگذشتگان و تاثیر از اشعار خیام (هدایت، ۱۳۴۲: ۶۵).

مفهوم شعر که به خوبی در آثار این هنرمند بازتاب یافته است، بیانگر آن است که یاران و دوستان وقتی دیدار می‌نمایند، شایسته است که دوستانی که روزی بوده‌اند و اکنون دیگر نیستند نیز یاد نمایند. در اینجا دوستان و یا حتی اشخاصی است که دیگر در این دنیا حضور ندارند. همچنین اشاره به نوشیدن می به نوبت دارد و عنوان می‌دارد که پیاله وی را هم به یاد او به روی زمین بریزند و این گونه به یاد دوستان غایب نیز باشند. البته این می‌تواند بر یاد کردن از خود شاعر نیز دلالت داشته باشد. لذا می‌توان دریافت که مفهوم و درونمایه شعر به خوبی در اثر نشان داده شده است. ریختن پیاله‌ای از می بر روی زمین، کاملاً مفهوم اثر را دربردارد. همچنین می‌توان بیان داشت که نشان دادن محفلی دوستانه یا بزم نیز می‌تواند بیانگر موضوع اصلی باشد.

این اثر از سوریوگین که به مانند سایر آثار وی بیانگر تفکر و فلسفه خیام است و از اشعار وی تأثیر پذیرفته است، کاملاً تحت تأثیر هنر ایرانی و علی‌الخصوص عصر صفوی بوده است. از جهتی نیز بیانگر تأثیر از سبک شیراز را نشان می‌دهد. طنازی، ابروان پیوسته و کمر باریک بودن در هنر سبک شیراز کاملاً آشکار است و در این اثر به خوبی نمایان شده است. هرچند چهره‌پردازی ضمن تأثیر از ادوار قبل، نوعی ویژگی خاص را دربردارد؛ اما می‌توان بیان داشت که مفهوم اثر هرچند بیانگر یاد نمودن از درگذشتگان است؛ ولی صحنه

آنانکه محیط فضل و آداب شدند

در جمع کمال شمع اصحاب شدند

ره زین شب تاریک نبردند برون

گفتند فسانه‌ای و در خواب شدند



تصویر شماره ۳: اثر آندره سوریوگین، با مضمون فانی بودن دنیا و مرگ و تاثیر از اشعار خیام (هدایت، ۱۳۴۲، ۵۲).

خیام در این اثر بزرگان و دانشمندان صاحب فضل و کمال را که توانستند به بهترین، بالاترین و سرآمد دوران خویش دست یابند، اشاره می‌نماید. آنانی که توانستند دانایی و توانایی قابل توجهی دست یابند. همچنین از سویی نیز اشاره می‌نماید که مرگ این بزرگان را نیز دربر گرفته و بعد از مرگشان، صرفاً داستان و حکایتی از آنان بر جای مانده است. لذا ناپایداری دنیا و نیز مقوله مرگ، مضمون اصلی اثر آندره سوریوگین بوده است که در واقع بازتاب تفکر و فلسفه خیام است که در اشعارش نمود یافته است. این اثر یادآور نگاره‌های ایرانی و بازنمایی هنر نگارگری عصر صفوی در کنار سبکی نو و منحصر به فرد است. در اینجا هنرمند تلاش داشته است تا بزرگان و صاحبان فضل را در حالی نشان دهد که تمام عمر خویش را به دریافت علم می‌پرداخته‌اند. لذا حالات آنان در حال دریافت علم و فصل به خوبی تصویر شده است. گویی همواره تمام وقت خویش را صرف این مسئله نموده‌اند. وجود خط تقارن، ایجاد تعادل و توازن از طریق جایگیری مناسب عناصر تصویری، از مشخصه‌های بارز این اثر است. البته ریش‌های بلند و نوع پوشش به نوعی جنبه صوفیانه نیز بدان بخشیده است. لذا می‌توان عنوان داشت که گرایش هنرمند به صوفیان، می‌تواند در شکل‌گیری اثر مذکور تأثیرگذار بوده باشد. همچنین در این اثر نیز خطوط شکسته، نرم و منحنی نقش قابل توجهی در شکل‌گیری پوشش‌ها و چهره‌ها و نیز سایر عناصر تصویری داشته است. از سویی نیز پرسپکتیو رنگی با استفاده از روی آوردن از کمرنگی به پررنگی در این اثر قابل مشاهده است. در اینجا نیز می‌توان شباهت نگاره‌های صفوی را مشاهده نمود و این تأثیرپذیری کاملاً آشکار است.

آثار هنری ادوار تاریخی ایران مشاهده نمود. در واقع خورشید نماد نیروی متعال کیهانی، خدای بصیر و قدرتش تجلی خدای هستی ساکن، قلب کیهان، مرکز وجود و معرفت شهودی، چشم جهان، چشم روز، تسخیر نشدنی، فر، شکوه، عدل، تصویر عینی خیر الهی، صورت مثالی نور متعالی و... محسوب می‌شده است (کوپر، ۱۳۸۶، ۱۳۲). همچنین قابل ذکر است که خورشید روشنایی و گرما می‌بخشد و نشانه حیات و سرچشمه نیروی انسان و کیهان محسوب می‌شود. خورشید با گرما و نور خود در روز، دیوها و پلیدی‌ها را نابود می‌سازد و همواره به‌عنوان مظهر عمر جاویدان و شکوه و جلال سلطنت به شمار می‌رفته است (پوران مهر، ۱۳۹۶، ۴).

پوشش ایرانی و نیز چهره‌پردازی منحصر به فردی که با سبکی ایرانی نمود یافته است، ابروان پیوسته و کشیده، صورت گرد و حضور چنگ در تصویر بر هنر ایرانی و فرهنگ جاری بر این سرزمین تأکید دارد. افراد نیز با پوشش ایرانی به تصویر درآمده‌اند. در اینجا حیرانی با بزم نشان داده شده است، لذا می‌تواند بر بی‌خبری نیز دلالت داشته باشد. نشان دادن نماد اسب نیز می‌تواند بر هنر ایرانی دلالت داشته باشد. زنان در این اثر با طنازی و در حالات مختلف نشان داده شده‌اند. حضور افرادی بر روی زمین می‌تواند دلالت بر آن داشته باشد که دیران را بر بی‌خبری خویش آگاه نماید. لذا آندره سوربوگین تلاش می‌کرده است تا از هر طریقی اندیشه خیام را در آثار خویش به بهترین شکل نشان دهد و این معمولاً با خیالی‌پردازی نیز همراه بوده است. خطوط نقش بارزی را در این اثر نیز ایفاء می‌نموده‌اند. شکل یافتن خورشید، اسب، زنان و مردان و... همگی با خطوط مختلف و نیز با ظرافت‌های متفاوت نشان داده شده‌اند. همچنین تضاد رنگی از جمله مواردی است که هنرمند در نشان دادن فرم از آن بهره گرفته است. از سویی نیز جایگیری و عناصر تصویری به نوعی بر حضور توازن و تعادل تأکید دارند. همچنین می‌توان بیان داشت که مرکزیت یکی از ارکان اصلی سبک آندره سوربوگین بوده است. لذا در این اثر با نشان دادن نقش خورشید با شخصیت زن گونه، کاملاً آشکار است.

اثر شماره ۶

متن شعر

جامیست که عقل آفرین می‌زندش

صد بوسه ز مهر بر جبین میزندش

این کوزه‌گر دهر چنین جام لطیف

می‌سازد و باز بر زمین می‌زندش

بزم را به‌خوبی نمایان می‌سازد. توجه به اصل قرینه، مرکزیت و بزرگنمایی، تزیینات در متن لثر از جمله ویژگی‌های این نوع تصویرگری است. طبیعت‌سازی نیز از دیگر ویژگی‌های این اثر است که در برخی دیوارنگاره‌های عصر قاجار نیز مشاهده می‌شده است. هر چند که هنرمند تلاش داشته است تا مفهوم شعر خیام را بازآفرینی نماید؛ اما در این اثر تأثیرپذیری از نگاره‌های ایرانی کاملاً آشکار است. نقش پرنگ و برجسته خطوط منحنی، نرم و ضخیم و حتی شکسته در آثار آندره سوربوگین کاملاً قابل رؤیت است. در واقع خطوط با ضخامت‌های مختلف نقش تعیین‌کننده‌ای را در این اثر ایفاء می‌نمایند. تأثیرپذیری از نگاره‌های ایرانی می‌تواند به جهت بهتر نشان دادن محافل بزم و دلدادگی ایرانی بوده باشد. سبک چهره‌پردازی و پوشش افراد نیز به مانند سایر آثار این هنرمند از شرایطی همسان پیروی می‌نماید.

اثر شماره ۵

متن شعر

این چرخ و فلک که ما درو حیرانیم

خورشید چراغ دان و عالم فانوس



تصویر شماره ۵: اثر آندره سوربوگین، با مضمون دریافت درونی نسبت به هستی و تأثیر از اشعار خیام (هدایت، ۱۳۴۲، ۸۲).

می‌توان گفت در این شعر خیام به این نکته اشاره دارد که ذهن و دریافت درونی ما از هستی همچون فانوسی در برابر خورشید است. لذا این کوچک بودن دریافت درونی افراد از هستی، منجر به حیرانی می‌گردد. لذا مقوله خورشید و نور گسترده او در این اثر و در مرکز آن، درحالی که نور و گرمای خویش را به هر سو می‌پراکند، نشان داده شده است. هر چند که خورشید همواره در هنر ایرانی دارای نقشی نمادین بوده است؛ اما در اینجا در پی اشاره به متن شعر نمود پر رنگی یافته است. می‌توان بیان داشت که نقش خورشید با مرور زمان به تکامل رسید و در هر دوره و در مواجهه با هر قومی به گونه‌ای خاص در اعتقادات، باورها، خرافات و هنرهای مردم جایی را به خود اختصاص بخشید. به‌طوری‌که حضور فعال نقش خورشید را می‌توان در تمامی

نظر به طور مجزا مورد تحلیل و ارزیابی قرار داده است. نقاشی‌های سورئوگین دارای ۶ مضمون دلزدگی و ناپایداری دنیا، حسرت حاصل از گذرا بودن زندگی دنیوی، فانی بودن دنیا و مرگ، یاد کردن از درگذشتگان به وقت دورهمی، دارای مضمون دریافت درونی نسبت به هستی و مضمون مرگ با تأثیر از اشعار خیام است. **در پاسخ به این سؤال که فلسفه اشعار خیام بر آثار سورئوگین به چه نحوی است.** عمده آثار اندره سورئوگین ملقب به درویش از تفکر و فلسفه خیام نشئت گرفته است. آثار اندره عموماً دارای اشعار خیام در بخشی از اثر بوده است و نقاشی‌های وی نیز مضمون آن اشعار را بازتاب بخشیده‌اند. لذا این مضامین در حیطه پدیده مرگ، دلدادگی و یزم، دریافت درونی نسبت به هستی و زودگذر بودن روزگار و... تصویر شده- اند؛ به‌عنوان مثال، اندره مرگ را با نماد کوزه شکسته نشان می‌دهد. یا مضمون شعر را در ریختن پیاله‌ای از آب بازتاب می‌بخشد.

در واقع اندره با توجه به بن‌مایه و سیاق کلامی موجود در اشعار خیام، اقدام به خلق اثری می‌نماید که مفهوم اشعار او را بازنمایی کند. حالات ایستادن، تکیه بر عصا، حالت ابهام از طریق حالات دست، سرگشتگی، ریش‌های بلند و تأثیرپذیری از صوفیه، طنازی و... از جمله حالات مورد نظر در این آثار بوده است که در بازتاب تفکر و فلسفه خیام، اندره از آن استفاده نموده است. وی تلاش داشته است نوعی خوانش عمیق و نه صرفاً سطحی را از رباعیات خیام داشته باشد و نوع نقاشی‌های خود را بر مبنای این خوانش عمیق شکل بخشیده است. همچنین در خلق آثار خویش از طراحی شرقی و ایرانی استفاده نموده است. آثار وی که تحت تأثیر فلسفه خیام شکل گرفته‌اند، مبین شاخصه‌های هنری عصر صفوی و نیز بعضاً مکتب شیراز هستند. او در نوع پوشش، چهره‌پردازی زنان و مردان به بازنمایی هنر ایرانی پرداخته است. همچنین وی در آثارش از خطوط شکسته، نرم و منحنی بهره برده است تا حالات مختلف را براساس اشعار موجود از خیام تداعی نماید. وی کاملاً فلسفه خیام را که در مفهوم شعر بیان شده است، در قالب تصویر با مؤلفه‌های حالات و شیوه‌پردازی‌های مختلف نشان می‌دهد. از آنجا که تعداد قابل توجهی از آثار اندره بر مبنای ادبیات ایران و آثاری همچون شاهنامه، حافظ، خیام و باباطاهر الهام گرفته است، می‌توان گفت ادبیات ایرانی نقش قابل توجهی در آثار این هنرمند داشته است. همچنین حضور اشعار خیام در کادر نقاشی و نیز نوشته‌های شاهنامه که بعضاً در بخشی از ترکیب‌بندی لحاظ می‌شود، می‌تواند نقش بسزای آن‌ها را آشکار سازد. بازتاب بیش از حد مرام و مسلک خیام در نقاشی‌های اندره سورئوگین که با خوانش عمیق اشعار او از سوی هنرمند صورت گرفته است، می‌تواند بیانگر بیشترین الهام از تفکر وی باشد. آثار بسیاری از این هنرمند و تحت تأثیر فلسفه خیام موجود است که می‌تواند بیانگر این مسئله باشد. همچنین می‌توان بیان داشت که



تصویر شماره ۶: اثر اندره سورئوگین، با مضمون مرگ و تأثیر از اشعار خیام (هدایت، ۱۳۴۲، ۸۲).

خیام در اشعارش همواره از انسان به‌عنوان کوزه و از خداوند به‌عنوان کوزه‌گر یاد می‌نماید. این اثر از اندره سورئوگین به‌خوبی بیانگر آن است که شکستن کوزه به منزله مرگ انسان تلقی می‌شود و هنرمند توانسته است به طرز شگفت‌انگیزی آن را نشان دهد. بنابراین این‌گونه بیان داشته است که خداوند انسان را آفریده و مورد توجه قرار داده و سپس او را از دنیا می‌برد. نوعی گلابیه از پدیده مرگ در این اثر تصویری به‌خوبی با حالات مردی مسن و تقریباً ناراحت، نشان داده شده است. لذا بی‌هدف بودن حیات و هستی را می‌توان در اشعار خیام درک نمود که در نقاشی‌های درویش جلوه یافته است. از این جهت، هنرمند تلاش داشته است تا نوعی سرگشتگی و حیرت را در ذهن مخاطب القاء نماید. در واقع نگرانی از مرگ در این اثر با میل به جاودانگی نشان داده شده است. می‌توان گفت از آنجا که در نظام طبیعت هیچ میلی بیهوده شکل نمی‌گیرد، می‌تواند این میل مذکور را عللی بر بقای بشر بعد از مرگ دانست و شاید خیام تلاش داشته تا این تفکر را بازگو کند و سپس درویش در آثارش آن را انعکاس دهد. این اثر از اندره سورئوگین در سه بخش نشان داده شده است. بخش اول، نماد خورشید و ابر را در بر داشته است. در بخش دوم، پیرمردی در حال شکستن کوزه مشاهده می‌شود که مفهوم شعر را تداعی می‌نماید. قرار گرفتن کوزه‌های مختلف در اطراف این فرد، نشانگر انسان‌های مختلف است. در بخش سوم یا زیرین اثر نیز به طبیعت‌پردازی پرداخته شده است. چهره‌پردازی در اثر مذکور با پوشش‌های معمول آثار درویش نشان داده شده است. این مسئله بر نوع پوشش فرد نیز دلالت می‌نماید. قرارگیری طبیعت در زیر پای مرد، نشان از تسلط خداوند بر هستی دارد و اینکه اندره تلاش داشته است تا این مسئله را در اثر خویش بازتاب بخشد. بازتابی که از فلسفه خیام نشئت گرفته است.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر که به‌عنوان بررسی تأثیر فلسفه خیام در آثار اندره سورئوگین انجام یافته است، ۶ اثر از این هنرمند را دربردارنده اشعار خیام بوده‌اند و تحت تأثیر تفکر او شکل گرفته‌اند. براساس اهداف مورد



وجود اشعار خیام در ترکیب‌بندی نقاشی‌های اندره این موضوع را تأیید می‌نماید. لذا با توجه به پاسخگویی‌های مطرح شده، می‌توان فرضیات مطرح شده در پژوهش را مورد تأیید قرار دارد و مهم‌ترین شاخصه‌های هنری آثار آندره سوریوگین را با توجه به موارد مطرح شده در زیر بیان نمود:

- (۱) آثار آندره سوریوگین به نوعی تداوم هنر نگارگری ادوار گذشته ایرانی می‌شود، با این تفاوت که فلسفه و تفکر خیام تأثیر چشمگیری بر آن داشته است.
- (۲) مضمون آثار آندره سوریوگین علاوه بر آنکه نشانگر تأثیر ادبیات ایرانی است، به نوعی بیانگر علاقه وی به هنر ایرانی از دوران کودکی‌اش است.
- (۳) وجود ویژگی‌هایی نظیر خیال، عاطفه، تأثیرپذیری از زبان و موسیقی اشعار خیام و حضور تفکرات فلسفی ناب که در قالب تصویر معرفی می‌شوند، آثار آندره سوریوگین را منحصر به فرد جلوه می‌دهند.
- (۴) آندره سوریوگین در آثارش با به کارگیری اشعار خیام در قالب سکوت، شکوه و شکایت که به صورت طعنه و طنز سخن گفتن، پدیده‌هایی همچون خلقت، مرگ، بهشت و دوزخ را بیان نموده است.
- (۵) آثار آندره سوریوگین نوعی خردورزی و تعقل‌گرایی را نشان می‌دهد که از تفکر خیام برخاسته است. مرگ، گذرا بودن روزگار، غنیمت شمردن لحظات، از جمله این تأثیرپذیری‌ها محسوب می‌شود.
- (۶) در واقع تحلیل و ارزیابی نمونه‌های مطالعاتی نشان داده است که این هنرمند تلاش داشته است تا مسائل حائز اهمیت زندگی را به صورت مثبت و براساس منطق، مشاهدات و همچنین محسوسات و نیز جریان مادی زندگی به صورت کاملا روشن نشان دهد که بعضا جنبه نمادین نیز یافته است.
- (۷) در مجموع می‌توان بیان داشت که تصویرپردازی آثار آندره سوریوگین تحت تأثیر تفکر و فلسفه اشعار خیام بوده است که دارای منظر علمی و فلسفی است.

از مهم‌ترین محدودیت‌های پژوهش، عدم دسترسی به تصاویر آثار نقاشی آندره سوریوگین که در موزه‌های هند موجود است و همچنین وجود نمونه‌های اندک از آثار این هنرمند که بعضا به صورت سیاه‌وسفید بوده است و حتی فاقد عنوان هستند، مشکلاتی را در روند پژوهش حاضر ایجاد نمود که می‌توان به عنوان محدودیت‌های پژوهش از آن یاد نمود. در خصوص پیشنهادات پژوهش می‌توان آیکونولوژی آثار نقاشی آندره سوریوگین براساس رویکرد اروین پانوفسکی را به عنوان موضوعی جهت پژوهش‌های آتی معرفی نمود.

منابع

- ابراهیمی دینانی، غلامحسین، فیضی، کریم. (۱۳۸۸)، هستی و مستی: حکیم عمر خیام نیشابوری، تهران: اطلاعات.
- استرویک، د.ج. (۱۳۷۹)، «عمر خیام، ریاضیدان»، ترجمه: نگار نادری، دانش و مردم، شماره ۷: ۶۹۷-۶۹۱.
- بربریان، لیدا، زیتونچیان، آرمینه. (۱۳۷۶)، «آندره سوروگیان، درویش، یادنامه درویش، درویش به روایت استاد»، فصلنامه فرهنگی پیمان، شماره ۶ و ۵، سال دوم، بهار و تابستان ۷۶: ۲۲-۵.
- بهاری، بهاره. (۱۳۹۴)، «بررسی و تحلیل عناصر تزینی در نقاشی قهوه‌خانه‌ای با تأکید در آثار حسین قولر آقاسی»، دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در مهندسی، علوم و تکنولوژی، اسفند ۹۴: ۱۵-۱.
- توکلی طرقي، عبدالحسین. (۱۳۹۰)، «خیام و آثار او»، کیهان فرهنگی، شماره ۲۹۳ و ۲۹۲، فروردین و اردیبهشت ۹۰: ۶۴-۶۰.
- حسام پور، سعید، حسن لی، کاووس. (۱۳۸۳)، «زمان گذران در نگاه بیقرار خیام»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، شماره مسلسل ۱۹۲، پاییز ۸۳: ۴۴-۱۷.
- خاتمی، احمد. (۱۳۸۷)، «این کوزه‌گر دهر (بررسی اجمالی اندیشه‌های کلامی خیام براساس رباعیات)»، کتاب ماه ادبیات، شماره ۱۳: ۸۷-۷۶.
- دشتی، علی. (۱۳۷۷)، *دمی با خیام*، چاپ دوم، تهران: اساطیر.
- (۱۳۸۱)، *دمی با خیام*، تهران: امیرکبیر.
- سرامی، قدمعلی، رضایی، پروین. (۱۳۹۳)، «بازتاب حیرت خیام در ادبیات فارسی»، متن‌شناسی ادب فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، سال پنجاهم، جدید سال ششم، شماره ۱، پیاپی ۲۱، بهار ۹۳: ۴۰-۲۵.
- شایگان، داریوش. (۱۳۹۳)، *پنج اقلیم حضور*، تهران: فرهنگ معاصر.
- شهوولی، عبدالرحیم. (۱۳۵۳)، *حکیم عمر خیام و زمان او*، چاپ اول، تهران: گوتنبرگ.
- صدقی، حسین، محمدی، فرهاد. (۱۳۹۳)، «مطالعه مرگ‌اندیشی در اندیشه خیام و مولانا»، زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد سنندج، سال ششم، شماره ۲۱: ۱۵۱-۱۳۱.
- فاضلی، مه‌بود. (۱۳۸۷)، «نظام فکری خیام»، فصلنامه پژوهش‌های ادبی، سال ۵، شماره ۲۰: ۸۹-۸۹.
- فروغی، محمدعلی، غنی، قاسم. (۱۳۷۱)، *رباعیات خیام*؛ ترجمه: فیتز جرال، ویرایش جدید بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: ناهید.
- فروغی، محمدعلی. (۱۳۷۳)، *مقدمه رباعیات خیام*، تهران: ناهید.
- قره‌گوزلو، علیرضا. (۱۳۷۹)، *عمر خیام*، تهران: طرح نو.
- کوپر، جی. سی. (۱۳۸۶)، *فرهنگ مصور نمادهای سنتی: ترجمه ملیحه کرباسیان*، تهران: نشر نو.
- کیارس، داریوش. (۱۳۸۸)، «نقاشی: نیم رخ آندره (درویش) سوروگین برای ژانت لازاریان»، تندیس، شماره ۱۵۶، شهریور ۸۸: ۱۸-۱۶.
- گرشاسبی، اشکان. (۱۳۹۹)، «واکاوی مفاهیم علمی و اعداد در رباعیات خیام، و ارتباط آن با چهارچوب فکری او»، مجله ادبیات فارسی، دوره ۱۶، شماره ۲۲، تابستان ۹۹: ۶۵-۵۵.
- مه‌بود، فاضلی. (۱۳۸۷)، «نظام فکری خیام، پژوهش‌های ادبی»، دوره ۵، شماره ۲۰، تابستان ۷۸: ۸۹-۶۱.
- مینا کار، میلاد، چیت‌سازیان، امیرحسین. (۱۳۹۶)، «واکاوی تطبیقی تصویرگری‌های رباعیات منسوب به حکیم خیام»، فصلنامه مطالعات نظریه و انواع ادبی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه حکیم سبزواری، سال دوم، شماره ۵، زمستان ۹۶: ۱۴۲-۱۲۱.



نشریه مطالعات هنر و زبان‌شناسی

مینوی، مجتبی. (۱۳۶۷)، *پانزده گفتار*، تهران: توس.

نظریان، حسن. (۱۳۷۹)، ۱۹ مقاله حکیم عمر خیام نیشابوری، مرکز نیشابورشناسی.

هدایت، صادق. (۱۳۴۲)، *ترانه‌های خیام*، تهران: چاپخانه سپهر.

..... (۱۳۵۳)، *ترانه‌های خیام*، تهران: جاویدان.

..... (۱۴۰۰)، *ترانه‌های خیام*، تهران: بدرقه جاویدان.

همایونفر، فتح الله. (۱۳۵۵)، *سیمای خیام*، کتاب فروشی فروغی، تهران: چاپ نیلوفر.

واعظی، محمود. (۱۳۸۴)، *نامه جوانی طی شد*، گزیده مقالات فارسی و عربی، سمینار بین‌المللی حکیم عمر خیام نیشابوری، تهران: نشر بین‌المللی الهدی.

Martin, H. William and Sandra Mason..(2007). *The Art of Omar Khayyam: Illustrating Fitzgerald's Rubaiyat*. I. B Tauris.

Osborne, Harold. (1999). *The Oxford Companion to Art*. 19 th Impression. Great Britain: Oxford.

Abstract

Investigating the influence of Khayyam's philosophy in the works of Andrey Soryugin Mina Atai Abstract This research has investigated the influence of Khayyam's philosophy on the works of Andrey Soryugin, in this regard, such things as examining the inspirations of Khayyam's poems on Andrey Soryugin's works, introducing Andrey Soryugin and his style and manner of painting as well as the miniatures left by him, explaining The literature of Andre's works as well as the personality of this western artist who is interested in Iranian art have been taken into consideration. Therefore, his remaining works have been evaluated according to their importance and on a case-by-case basis with the descriptive-analytical method. The results have indicated that the works of Andrey Soryugin in most cases originated from Khayyam's thinking and philosophy, and generally Khayyam's poems were present in a part of the composition of the work. The works of this artist have reflected the themes of Khayyam's poems in the field of the phenomena of death, love and grief, inner perception of existence and the fleetingness of time, etc. For this purpose, he has also used visual symbols to present concepts in his works. In a way, his orientation towards the philosophy of Khayyam and his poems led him to create works influenced by these themes. It can also be said that Andre's works have a significant similarity with coffee house paintings due to having some special features such as narration and magnification, attention to the centrality and in some cases the positional perspective. Also, the presence of color variety which is shown with the benefit of red and blue colors as well as some dark colors, the creation of decorations in the background and the covering of people, the division and the creation of balance in the composition, the similarity of Andre's works with Coffee house paintings show remarkably.

Key words: Khayyam's philosophy, coffee house painting, Andrey Soryugin.